

ملت پژوهی اجتماعی و تاریخی

دکتر ناصر تکمیل همایون
استاد جامعه‌شناسی و تاریخ معاصر ایران
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

□ درآمد

مفهوم تاریخی و فرهنگی «ملت» و مفهوم میهن یا وطن نه تنها از یکدیگر جدا نیستند، بلکه دو مفهوم پیوند یافته به یکدیگرند. هر ملتی برای خود «میهن» و نیاخاک دارد و هر کشوری در بردارنده‌ی «ملت» است که بر روی آن زندگی می‌کند.

ملت‌ها، مردمان ساکن در سرزمین محدود و مشخص و شناخته شده‌ی (همین) هستند که از آغاز شکل‌گیری اجتماعی، دارای شناخت جمعی و اسطوره‌ی یا تاریخی بوده و همواره نسبت به آن و هم‌نوعان نیاخاک خود دارای عواطف و آرمان‌هایی بوده‌اند که گاه با دیانت و باورهای مابعدطبیعی پیوند یافته و با تقدسی مریی و نامریی به مرور در سده‌های زمان به صورت امر مستدام و قطری درآمده است.

ملت و میهن مانند مظهر و ظرف است. ملت بدون سرزمین درختی‌ست هرچند به ظاهر تناور اما برینده از ریشه‌ی خود در خاک که بی‌تردید در معرض توفان‌های اضمحلال و نابودی قرار دارد و زمین بدون ملت و ارزش‌های انسانی و علائق ملی و تاریخی خاک است. همانند هله‌ی خاک‌های جهان و به‌دور از جاذبه‌های معنوی و میهن‌گرایانه اما خاک متعلق به ملت که رویدادهای تاریخی و آیینی بر آن گذشته باشد صورت «قدسی» پیدا می‌کند. با عنوان‌های خاک میهن، نیاخاکه خاک متعلق به حیات ملی، جاودانگی می‌یابد. در این نوشتار، کوشش بر آن است که پادشاه به مفهوم «ملت» منزلت مردم ایران در پیدایش و تحول و حیات بر دوام آن در مقایسه با ملت‌های مغرب زمین مورد شناسایی قرار گیرد.

۱- واژه‌شناسی ملت

واژه‌ی «ملت» در زبان عربی به معنای آیین، کیش، شریعت و مذهب آمده، چنان که در قرآن مجید نیز آیات چندی به این امر گواهی می‌دهند و بیش‌تر آن‌ها از جمله «ماتبعوا مله ابراهیم حنیفا» یعنی از دیانت حنیف ابراهیم پیروی کنید برخوردار دارند.^۱ اشتقاق این واژه را از واژه‌ی «املت» دانسته‌اند و املت الکتاب یعنی کتاب را بر او املا کردم و این آیه نشان دهنده‌ی نزول احکام و قوانین و آداب و رسمی‌ست که بر فرستاده‌ی خدا (=رییس ملت) رسیده، چنان که در تفسیر کشف‌الاسرار و عده‌الابرار آمده است «ملت و دین دو نام‌اند آن شرع را که خدای عز و جل نهاد میان بندگان بر زبان انبیا.^۲

بدین سان آشکار است ملت اسلام یعنی پیروان دیانت اسلام و ملت نصارا یا ملت یهود یعنی پیروان حضرت عیسی و حضرت موسی. در ادبیات فارسی در سراسر ایران زمین شاعران و ادیبان فارسی‌زبان هم به

این معنا توجه کرده‌اند، از آن میان:

ناصرخسرو قبادیانی:

از روزگار و خلق ملولم کنون از آنک

پشتم به کردگار و زسول است و ملتش

امیرمعزی نیشابوری:

عید اضحی سنت و رسم خلیل آزر است

اهل ملت را به رسم و سنت او افتخار

عطار نیشابوری:

هست کیش و راه و ملت بی‌شمار

تا تو بشماری نیایی روزگار

مولوی بلخی:

ملت عشق از همه دین‌ها جداست

عاشقان را مذهب و ملت خداست

ابن‌یمین فریومدی:

مذهب حق دارم و ملت خیرالبشر

در بد و نیک جهان عقل امام من است

و بالاخره حافظ شیراز:

جنگ هفتاد و دو ملت همه را عنبر بنه

چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند

در برابر ملت واژه‌ی «نحله» آمده و آن دین و آیین است «که از جانب

خدای تعالی نیامده باشد».^۳ کتاب مشهور الملل و النحل (جمع ملت و

نحلت) شهرستانی مرتبط به تاریخ و چه‌گونه‌ی مذاهب الهی و آیین‌های

غیرالهی است که افراد انسانی آن‌ها را تاسیس کرده‌اند.

۲- سیر مفهوم «ملت» در اروپا

زمانی که قدرت‌های فتوادی در قاره‌ی اروپا (بویژه بخش‌های غربی) ضعیف شدند و سیطره‌ی پاپ‌ها و قدیسان مسیحی رو به کاهش نهاد و واتیکان چون گذشته نمی‌توانست در پهنه‌ی غربی جهان قدرت‌های دینی و سیاسی خود را پایدار نگاه‌دارد، نظام جدید بورژوازی BOURGEOISIE در نقاط مختلف اروپا رشد پیدا کرد و از حیطه‌های عقیدتی (وضعیتی) به جنبه‌های حکومتی تمایل یافت و جنبش‌های دینی اعتراضی PROTESTATISME به آن کمک‌های لازم را رسانید و به مرور دامنه‌ی نهضت در دیگر مناطق اروپایی هم کشیده شد و ساکنان هر یک از منطقه‌های حکومتی (دولت‌های جدیدالتاسیس اروپایی)، گویی متولد شدند NAISSANCE و نام ناسیون را بر خود نهادند و مشخصه‌ی حکومتی یا اصل تبعیت آن‌ها، ناسیونالیته (ملیت) نامیده شد

و با تحولات اقتصادی، صنعتی و رشد کم‌ظهور بورژوازی و تفسیر تاریخ بر پایه‌ی نژاد و به‌صرفت‌های چشمگیر علمی و فنی سرانجام ناسیونالیسم اروپایی را به گونه‌ی عقیده و مرام برخاسته از فرهنگ‌های دولت و جوامع بورژوازی ظاهر ساخت و این پدیده‌ی جدید در پیوند با اروپا مرکزی EUROCENTRISM دست‌اندازی به سرزمین‌های دیگران را (ملت‌های تاریخی جهان آسیایی و آفریقایی) موجب به‌شمار آورد و استعمار COLONIALISME عامل ترقی کشورهای عقب‌مانده‌ی جهان شناخته شد.

بدین‌سان مفهوم ملت‌ها یا ناسیون در اروپای غربی در پی رنسانس و جنبش‌های اصلاح‌گرانه سده‌های پانزدهم و شانزدهم در پیوند با نظام سرمایه‌داری جدید CAPITALISME پدید آمد و ناسیونالیسم اروپایی به گونه‌ی یک پدیده‌ی حکومتی (سیاسی) و اقتصادی، خواسته‌های جمعیت ویژه‌ی را در قلمرو جغرافیایی پاسخ می‌داد و در هنگامه‌های جنگ و ستازعات آرضی (روند ضعف فتودالیسم) و تغییر مرزها، گاه از آن‌ها دفاع می‌کرد و به اصطلاح پاسدار ناسیونالیته مشترک می‌شد و در این روند یک ملت (به‌معنای فرهنگی) تجزیه می‌شد و گاه از جامعه‌ی حکومتی به جامعه‌ی دیگر تعلق پیدا می‌کرد و در مسیر همین تغییرات، ساکنان یک منطقه، منقسم به یک ملت جدید شدند و این امر متکی به قدرت در دوران استعمار و سلطه‌گری اروپا در پاره‌ی از کشورهای جهان سوم هم که گاه تحقق یافته است. ملت‌سازی‌های اروپایی و ناسیونالیسم غربی در مسیر تحولاتی تاریخی به‌گونه‌ی ایندولوژی سرمایه‌داری و استعمار و دست سلطه‌های جهانی درآمد و البته به نظر مترقی و آزادی‌خواهانه بود و به دلیل دوری از فتودالیته جنبه‌ی غیرکلیسایی پیدا کرده و با نظام توسعه‌ی سرمایه‌داری سلطه‌گر، جنبه‌های نژادی تیز به‌دست آورد.

۳- مفهوم «ملت» و «ملیت» در ایران

ایران، سرزمین وسیع و به‌لحاظ آب و هوا متنوع و از جنبه‌ی جغرافیایی دارای کوه و دشت‌های چندگانه است و این موقعیت ساکنان این سرزمین را در منطقه‌های گوناگون قرار داده و با اقامت‌های معتدله هویت‌های مختلفی را پدید آورده است، به‌طوری‌که آداب و رسوم و اعتقادات و گویش‌ها و لهجه‌های متعدد به‌وجود آورده و بر روی هم هر منطقه‌ی دارای «پاره‌فرهنگ» ویژه شده است.

اقوام کهن ساکن در این منطقه در برابر دو مهاجرت بزرگ در هزاره‌ی سوم و دوم پیش از میلاد قرار گرفتند. مهاجران که خود را از اقوام گوناگون آریایی می‌دانستند از آسیای علیا به سوی سرزمین یاد شده کوچ کرده و در پی زد و خوردهایی نه چندان چشمگیر بدون گسیل دادن اقوام پیشین، اندک‌اندک با ساکنان کهن ادغام یافته و در پیوند با همان اوضاع جغرافیایی، زندگی اجتماعی و تاریخی خود را ادامه داده‌اند. بر این اقوام باید از مهاجران و مهاجمان دیگر نیز چون یونانیان و رومیان، هیاطله و اعراب و ترکان گوناگون یاد کرد که در مسیر تاریخی و تحولات قومی و التقاطها به مرور زندگی هم‌ساز خود را استمرار بخشیده‌اند.

هم‌چوشی‌های اجتماعی و تاریخی در پاسخ‌گویی به نیاز حفاظت از

کل جامعه و جماعت‌ها، همواره عاملی بوده تا هم‌آهنگی‌های سراسری و یگانگی در میان ساکنان پراکنده منطقه‌های گوناگون ایران زمین (= اقوام) پدید آورد و «پاره‌فرهنگ‌ها» را به یک‌دیگر نزدیک کند، به گونه‌ی که اقوام ایرانی‌گویی دارای یک فرهنگ سراسری (= ملی) بوده و هر یک از آن‌ها با حفظ هویت‌های قومی و منطقه‌ی در مجموعه‌ی وسیع‌تری (موزاییک اجتماعی) به‌نام «ملت» جا پیدا می‌کنند. نظام اجتماعی - تاریخی «ملت - فرهنگ» [NATION-CULTURE] در طی زمان‌های ممتد برای همه‌ی ساکنان ایران زمین [= ایرانیان] محسوس و چشمگیر شده است. به زبان دیگر در گذشته‌های تاریخی وحدت زبان و مذهب و ادبیات و اشتراکات فرهنگی حد و رسم جامعه‌های شرقی را پدید آورده بود. اما در روزگار کنونی ملت‌های فرهنگی ریشه‌دار، به ملت‌های متعدد «حکومتی» تقسیم شده‌اند و هم‌زمان ملت‌های سیاسی برای استحکام حیات اجتماعی خود، به پیدا کردن ریشه‌های فرهنگی مشترک پرداخته‌اند.

ملت «فرهنگی» و ملت «حکومتی» در جامعه‌های زیر سلطه با آن‌چه در اروپا بویژه اروپای غربی که مفهوم ملت به‌معنای «تایمان» دولت را پدید آورده بود، متفاوت است. در این جوامع، هویت ملی به لحاظ سیاسی و اقتصادی از یک‌سو و شناخت فرهنگ تاریخی و تعلقات آن از سوی دیگر در گرو تحقیق و شناخت عوامل متعدد اجتماعی (مادی و معنوی) است.

در نوشتارهای تاریخی گذشتگان از آوردن اصطلاحات و مفاهیمی چون ملت ایران، ملت یونان، ملت ترکیه، ملت عرب و جز این‌ها که دل‌پای بار سیاسی و حکومتی امروزی (NATION-ETAT) هستند اجتراز شده و به‌جای آن‌ها، ایرانیان، یونانیان، ترکان، اعراب (= تازیان) آمده است و این امر نشان‌دهنده‌ی تعلق گروهی از مردم یک منطقه به نژاد و تبار و خاستگاه ویژه است که از مفهوم «هویت» گاه با بار فرهنگی حکایت دارد.

در دوره‌ی جدید با نفوذ استعمار و سلطه‌های امپریالیستی و دورماندن جامعه‌ی بزرگ فرهنگی ایران از مفاهیم جدید حیات تاریخی و تکه‌تکه کردن ایران زمین (= BALKANISATION) و تصرفات جغرافیایی (= OCCUPATION) و در زمان‌های استعمارگرانه در چهار سوی کشور به‌جای سر جدهای قدیمی، مفهوم «ملت - دولت» (ETAT-NATION) چهره‌ی جامعه را دگرگون کرده به‌طوری‌که در دوران معاصر آشفتگی تاریخی و اجتماعی در درون کشور ایران و کشورهای ساخته شده پیرامون آن زندگی آرام و متحول و فرهنگ ساخته گذشته را به ناپساخانی‌های فرهنگی - سیاسی رسانده است.

با آن‌که واژه‌ی «ملت» عربی‌ست اما دانشمندان عرب برای واژه‌ی NATION، واژه‌ی «شعب» را برگزیده‌اند و گاه از واژه‌ی «امت» هم استفاده کرده‌اند، اما واژه‌ی اخیر بیش‌تر به‌جای مردم PEUPLE به‌کار رفته است. به‌هر حال وقتی می‌گویند «شعب‌الایرانی» یعنی ملت ایران (به‌معنای کنونی) و جمع شعب در قرآن مجید «شعوب» آمده و در صدر اسلام، مسلمانان غیرعرب که در برابر ستم‌های نژادی و حکومتی و فرهنگی خلفای اموی و عباسی قیام کردند، عنوان نهضت خود را «شعوبیه» نامیدند.

۴- در چه گونگی ترجمه‌ی «ناسیون» به «ملت»

از دوره‌ی قاجاریه بدین سو، بسیاری از واژه‌های سیاسی و فرهنگی و اداری ایران از نوشته‌های ترکی (کتاب‌ها و روزنامه‌های عثمانی) اقتباس شده و این واژه چون مشروطیت، جمهوری، خیریت، مساوات، اخوت، عدلیه، نظمیه، بلدییه و بسیاری اصطلاحات و واژه‌های دیگر در نوشته‌های ایرانیان به کار رفته. واژه‌ی عربی «ملت» هم در برابر واژه‌ی فرانسوی ناسیون (NATION)، نخست توسط ثرکان و به مرور زمان نزد ایرانیان کارایی جدید یافت و فرهنگ‌نویس ایران دانشمندی علوم اجتماعی و سیاسی هم، واژه‌ی «ملت» را در برابر واژه‌ی ناسیون از ریشه‌ی لاتین (NATION) پذیرفتند و آن را جمعیتی شناخته‌شده، مشخص و منبسط که بر روی زمین زندگی می‌کنند و به هويت و وحدت و اراده زیست خود در یک مجموعه باورمندند، در تعریف دیگر ناسیون را گروهی از مردم (PEUPLE) می‌نامند که در روی زمین مشخص در لوای حکومتی واحد قرار دارند.^۱

معانی شرقی و اسلامی (و ایرانی) «ملت» گاه با معانی غربی و غیراسلامی (فرانسوی ناسیون، انگلیسی «نیشن» و...) همسانگی کلی یافتند و گاه برداشتن مفهوم فرهنگی بافتاری گزینند که گاه به بلندی بود و گاه پویا و همگرا در تاریخ ملی قرار گیرد.

۵- کاربردهای جدید سیاسی یا حکومتی

ساکنان یک شهر را در دوره‌ی معاصر شهروندی می‌گویند که ترجمه‌ی واژه‌های انگلیسی و فرانسوی (CITIZEN-CITIZEN) است و هر شهروندی در امور شهر (ایالتی و ولایتی و آسایش خود و دیگران) می‌تواند دخالت کند و شهروندی (CITIZENSHIP-CITIZENNETE) خود را به ایالت برساند. این واژه در زبان‌های غربی برای دو معنای شهروندی و هم‌کشوری است و در زبان فارسی، گویا بهتر باشد شهروندی (همسانگی شهروندی) و هم‌کشوری (هم‌معنای هم‌کشوری) به کار رود و اگر چنین اصطلاحی درست باشد، کشور و نژاد را برای شناسنامه ویزای آن کشور هستند و می‌توانند درخواست گذرنامه نمایند و از همین مباحث قانونی آن کشور چون دیگر کشور و نژاد استفاده کنند. در مغرب زمین واژه‌های (NATIONALITE-NATIONAL) در پیوند با کشور معنای حقوقی و اجتماعی پیدا می‌کنند و به عبارت دیگر ملیت (کشور و نژاد) برای یکسانی قراردهی می‌شوند.

در فرهنگ‌نامه‌های حقوقی و حکومتی ایران تابع، تبعیت، نژاد و هم‌معنای کشور و شهروندی (NATIONALITE-NATIONALITY) است. بسیاری از مهاجران آسیایی و آفریقایی که به اروپا یا آمریکا رفتند و به زندگی در قاره‌های یاد شده علاقه‌مند شدند و در خواست «تبعیت» گرفتند و پس از مدتی شناسنامه و کارت تبعیت (IDENTITE) گرفتند و خود را فرانسوی، آلمانی، هلندی، کانادایی و آمریکایی نامند کردند. این گروه به مرور زمان نه تنها به لحاظ حکومتی بلکه به لحاظ فرهنگی هم مللی یا ناسیون جدید پیدا کردند و آنان را با داشتن ناسیونالیه ایرانی و آمریکایی برای ریشه (ORIGINE) آفریقایی، عرب و ایرانی به‌شمار می‌آورند.

مسئله‌ی ملیت و تبعیت به معنای سیاسی و حکومتی از مباحث جدید جامعه‌شناسی سیاسی و تاریخی است. این امر در متمع قانون اساسی

مشروطیت ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم انعکاس یافته است.

در اصل هشتم، متمع قانون اساسی (مورخه‌ی ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری) آمده است: «ایالتی مملکت ایران در مقابل قانون دولتی مسئولی الحقیق هستند» و آمده است: «ایجاب خارجه می‌توانند قبول تبعیت ایران را نمایند، قبول و نهای آنها بر تبعیت و خلق آن‌ها از تبعیت به موجب قانون جداگانه است».

در اصل پنجم، متمع قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۵۸ شم) در پی آیه‌ی شریفه «یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انس و جعلناکم شعبا و قبیلا لتعارفوا این اکرمکم عندالله اتقیکم» آمده است: «جمهوری اسلامی ایران همه‌ی اقوام از قبیله فارس، ترک، کرد، عرب، بلوچ، ترکمن و نظائر این‌ها از حقوق کاملاً مساوی برخوردارند و هیچ‌کس را بر دیگری امتیازی نیست مگر بر اساس تقوا».

در اصل ۲۰ آمده است: «سلب تبعیت اشخاص فقط در صورتی ممکن است که دولت دیگری تبعیت آن‌ها را بپذیرد. ایجاب خارجی نیز می‌توانند در حدود قوانین به تبعیت ایران درآیند».

بدین سان کاملاً روشن است که مردم (پهلوی MARGOM) افرادی هستند که بر روی زمین زندگی می‌کنند (ناسیون) و اگر زندگی آنان تبلور و استمرار اجتماعی و فرهنگی داشته باشند و نوعی (ENTIFICATION-ID)

تاریخی داشته‌اند، آنگاه جنبه‌ی ملیت پیدا می‌کنند و این جامعه‌ی فرهنگی منطبق به یک واحد مشخص جغرافیایی و تاریخی است. به زبان دیگر ملیت پدید آمدن فرهنگی و تبعیت به یک جامعه حکومتی و حقوقی دارند. تبعیان (یعنی یک کشور اگر زمان زیادی در کشور جدید زیست کنند می‌توانند ملیت آن کشور را بپذیرند. به معنای سان آفریقایی که از میهن دور می‌شوند و به اصطلاح «ملائی وطن» می‌کنند پس از دو سه سال دانشس و عواطف ملی، آنان کم و بیش متفاوت می‌شود و چه بسا پس از زمان‌های فرزندان آنان فقط اجساد خود را ایرانی به‌شمار آورند همانند آفریقایی‌ها، اسکاتلندی‌ها، فرانسوی‌ها که ملی سندهای پیش تبعیت آمریکا را بپذیرفتند و اکنون خود را آمریکایی می‌دانند. در ایران هم بسیاری از مهاجران عرب و ترک... زندگی خود را ادامه دادند و اکنون نه تنها تبعیت حقوقی ایران را به سان دیگر ایرانیان پذیرفته‌اند بلکه در ملل و متن فرهنگی ایران جایگاهی یافته‌اند که می‌توان ملیت آنان را نیز ایرانی دانست».

سخن پایانی

مفهوم ملیت تاریخی در این مقاله (و چه گونگی تحقق آن در جامعه) به سه سطح بنیادی می‌تواند ارتباط پیدا کند.

نخست- خاکه زمین، منطقه‌ی زیست و پرورش انسان که نشانی از پویایی زندگی جنسی مردم است. (ECHOLOGIQUE)

و بد عنوان عامل جغرافیایی و زمین‌شناختی (GEOLOGIQUE) نیز یاد شده و در اصطلاحات سیاسی- آرزشی آن را وطن (میهن) گفته‌اند. (MORPHOLOGIQUE)

ثوم- تیره و نژاد (نژاد) و گاه رنگه خون و کالبدشناسی افراد انسانی است

حفاظت محیط کوهستانی

روز ملی دماوند در رینه

گزارشگر: اکرم حیدری

به فراخوان انجمن کوهنوردان ایران، سومین همایش سالانه‌ی روز ملی دماوند، هم‌زمان با جشن یاستانی تیرگان، در روز جمعه ۱۵ تیرماه ۱۳۸۶ در شهر «رینه»ی مازندران در دامنه‌ی جنوبی دماوند با مشارکت فعال کوهنوردان تهرانی و علاقه‌مندان مازندرانی برگزار شد. در این مراسم که در سالن ارشاد اسلامی رینه برگزار شد پس از قرائت آیاتی از کلام‌الله مجید و اجرای سرود جمهوری اسلامی ایران، آقای عباس محمدی (رییس هیات مدیره‌ی انجمن کوهنوردان) به حاضران خیر مقدم گفت. سپس یکی از اعضای شورای شهر رینه، دکتر پرویز رجبی، پروفیسور سیدحسن امین، اینانلو، رضا مرادی، غیاث‌آبادی، عباس جعفری، سخنرانی کردند و آن‌گاه، تنی چند از شاعران ارجمند معاصر به شعرخوانی و هنرمندان مازندرانی به اجرای موسیقی پرداختند. سخنرانان سال گذشته‌ی این مراسم، آقایان فریدون جنیدی، داود محمدی‌فر، مقدس و علی صادقی راد بودند. در این مراسم، ذکر خیری نیز از سیلوش یزدانی (کوهنورد مازندرانی که در بهمن ۱۳۸۳ در حوالی «آبشار یخی» دماوند مفقود شد) و هم‌چنین گروه موسیقی «چکاد البرز» به‌عمل آمد.

خلاصه‌ی سخنرانی پروفیسور امین چنین بود:

دماوند، چشم‌انداز سرزمین ایران و نماد طبیعی هویت ملی ماست. هم‌چنان که شاهنامه، نماد مکتوب هویت ماست. دماوند، در اساطیر ایرانی ریشه‌ی کهن و به تعبیر یونگ در وجدان ناخودآگاه جمعی ایرانیان، جایگاهی ویژه دارد. دماوند جایی‌ست که سیمرغ در آن مسکن داشته آرش از آن‌جا برای تعیین مرز ایران و توران تیراندازی کرد و فریدون، ضحاک ماردوش را در آن‌جا به بند کشید؛ چنان‌که ناصر خسرو می‌گوید:

ز بیندای سمر گشته است ضحاک

که گویند او به بند است در دماوند

(کنا فی الاصل، دیوان، چاپ سینصراله‌تقوی، ۱۳۳۹، ص ۱۱۱)

واژه‌ی «دماوند» به‌قولی، در اصل دنیاوند (دنب / دمب + آوند) یعنی کوه دنباله‌دار و به‌قولی دم آوند (گرمی / گرما + آوند) بوده است. درباره‌ی این کوه بزرگ در ادبیات کلاسیک شواهد بسیار داریم. شاعران معاصر نیز در این زمینه، آثار فراوان سروده‌اند که معروف‌ترین آن قصیده‌ی دماوندیه‌ی ملک‌الشعرای بهار است:

ای دیو سپید پای در بند	ای گنبد گیتی ای دماوند
از سیم به سر یکی کله‌خود	ز آهن به میان یکی کمربند
با شیر سپهر بسته پیمان	با اختر سعد کرده پیوند

گذشته از ادب و اسطوره، آن‌چه در این مجلس گفتنی‌ست اهمیت حفاظت محیط‌زیست در این منطقه‌ی ارزشمند است. قوام جامعه وابسته به سه نهاد مهم دین، اخلاق و قانون است. هم دین و هم اخلاق و هم قانون حکم می‌کند که ما همه‌ی میراث‌های ارزشمند طبیعی میهن عزیز خود را پاس بناریم، آن را تخریب نکنیم و از هرگونه آلاینده و آلودگی پاک نگه داریم. در خاتمه گفتنی‌ست که همکار ارزشمند ما جناب حسین شهبازانی در کتاب رنگین گمان خود فصل مشبعی راجع به صعود به دماوند از رینه به قلم آورده‌اند.

که در منطقه‌های جغرافیایی نشو و نما یافته و بر روی هم ماهیت زیست‌شناختی (BIOLOGIQUE) آنان را (به‌دور از اعتبارات ضد‌انسانی نژادگرایی) نشان می‌دهد.

سوم - فرهنگ و باورهای تاریخ ساخته و جان‌مایه‌های حیات اجتماعی گروه خاص انسانی در یک منطقه‌ی جغرافیایی‌ست که به‌عنوان خاص فرهنگی (ELEMENTS CULTURE) در شکل‌گیری ملت از آن یاد شده است.

چهارم - در مفهوم جدید سیاسی - جغرافیای ملت یا قلمرو حکومتی تاریخ به‌گونه‌ی خاطرات اجتماعی گذشتگان - و دولت به‌گونه‌ی نهاد مدیریت برخاسته از ملت (حکومتی و اقتصادی) پایگاه اصلی داشته و فرهنگ (درست‌تر: عناصر فرهنگی چون زبان و هنرها، آداب و رسوم...) به‌معنای منسجم‌کننده جامعه‌ی ملی و سامان‌دهنده‌ی پیوندهای گذشته و حال، عهده‌دار وظیفه‌های جدید شده است. ■

پی‌نوشت‌ها

- ۱- محمد فواد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم (قاهره دارالکتب المصریه، ۱۳۶۴)، ص ۶۷۶.
- ۲- به نقل از لغت‌نامه‌ی دهخدا، ص ۱۸۹۲۷.
- ۳- همان، ص ۱۹۷۳.

4-ROBERT, PAUL. DICTIONNAIRE ALPHABETIQUE ET ANALOGIQUE DE LA LANGUE FRANCAISE (PARIS, 1976) P1160

باز هم از سد سیوند

ایمان خراسانی - مشهد

آبگیری سد سیوند می‌تواند به نابودی مجموعه‌ی باستانی تخت جمشید - یکی از گران‌بهارترین میراث‌های بشری - بیانجامد. این‌جانب با پیشکش کردن رباعی زیر، مخالفت خود را با این اقدام نادرست ابراز می‌دارم.

ای خاک کهن به زیر آبی آخر
آباد نگشته، تو خرابی آخر
چون آب کنند سد سیوند ای داد
سر بر گل و لای برده خوابی آخر

حافظه: هردوت درباره‌ی پاسارگاد [پارسه‌گرد]

می‌نویسد: پاسارگاد نام تیره‌یی از خاندان هخامنشی‌ست که شاهان هخامنشی از آن تیره بوده‌اند و کورش پس از شکست دادن آستیاژ، این شهر را بر پا کرد و نام تیره‌ی خود را بر آن گذارد و آرامگاه وی نیز در آنجاست.